

دلیل برکناری علی دایی و نتایج ضعیف تیم ملی چیست
همشهری جوان برای پیدا کردن جواب این سوال پرونده هفته قبل را پی گیری می کند

دایی‌ها نمی‌میرند

غزاله زند

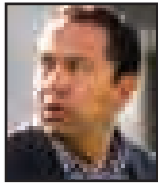
تخریب یک اسطور ه به خاطر بی تدبیری و عدم مدیریت صحیح، چیزی نیست که به این سادگی‌ها از آن بگذریم. ما هر ۴۰سال یک بار هم نمی‌توانیم یک دایی داشته باشیم. همین مساله سبب شده که بعد از پرونده هفته قبل برکناری دایی را این هفته هم پیگیری کنیم. در پرونده شماره گذشته همشهری جوان، سوژه اصلی، مقصران ترور شخصیت دایی بودند و این مرتبه، سوژه اصلی، مقصران نتایج ضعیف تیم ملی اند که به برکناری دایی منجر شد. برای پرونده این هفته با تعداد زیادی از مدیران، کارشناسان و مربیان مشهور تماس گرفتیم تا در مورد نتایج تیم ملی ایران با محوریت دایی یادداشت بنویسند. اما نکته جالب، تغییررنگ مربیان و مدیران بود؛ به صورتی که تعداد زیادی از آنها بعد از مصاحبه‌های دفاعی از سرمربی تیم ملی، این بار به هیچ‌وجه حاضر نبودند در مورد تیم ملی اظهار نظر کنند. آنها همه با این بهانه که حرفی در این مورد نداریم از اظهار نظر به صورت نوشته یا مصاحبه طفره رفتند و از میان ۱۵ نفری که در فهرست بودند، تنها ۵ نفر حاضر به پاسخگویی شدند. گزارشی که می‌خوانیم، مربوط به متهمان نتایج ضعیف تیم ملی و برکناری علی دایی است در کنار نظر مدیر، مربی و کارشناس.

رسانه‌ها

منتقدان بدون مرز

جامعه همیشه منتقد شاید مشکل اصلی علی دایی بود. رسانه‌ها در یک سالی که دایی سرمربی تیم ملی بود، موضع گیری های مختلف و البته گاهی متناقض داشتند؛ مثلا عده‌ای تصور می‌کردند که دایی باید نسل تیم ملی را تغییر دهد و عده‌ای هم نه.برخی روزنامه‌ها می‌نوشتند که سیستم تیم ملی باید فلان باشد و برخی دیگر به سیستم دیگری اعتقاد داشتند. در چنین شرایطی، سرمربی تیم ملی هر کاری که می‌کرد مخالف نظر رسانه‌ها بود و به همین دلیل از اقبال رسانه‌ای هم برخوردار نبود. البته به صورت کلی هیچ مربی‌ای در ایران در یک تیم مهم کار نکرده که محبوب رسانه‌ها باشد؛ چون رسانه‌ها بالاخره ایرادشان را می‌گیرند و از مربی انتظار دارند مطابق میل آنها رفتار کنند. قطعی را که یادتان هست، از او مودب‌تر نبود اما روزنامه‌ها حتی تا لحظه قهرمانی تیمش هم رهاایش نکردند. پس هرچند که دایی هیچ شایه‌تی به قطعی نداشت اما به نظر چار اشتباه هم نشده بود.

کارشناس: علی اصغر مدیرروستا*



عدم تعامل با رسانه‌ها ضعف اصلی دایی بود. او هیچ‌وقت نتوانست روابط خوبی با رسانه‌ها برقرار کند تا زمان برکناری عملا هیچ حمایت‌کننده‌ای نداشته باشند. مربیان قبلی تیم ملی هر چند مشکلات زیادی با رسانه‌ها داشتند اما بالاخره طبعی از رسانه‌ها را به عنوان حامی خود داشتند؛ مثلا برانکو هم حمایتی داشت که به این راحتی اجازه برکناری‌اش را نمی‌دادند.دیگر مشکل دایی

تعامل کم‌مربیان دیگر و تعطیلات لیگ بود.اما همه اینها فقط سهم ۵درصدی در ماجرا دارند وبقیه مسائل به مدیران مربوط می‌شود؛ مثلا مسوولان فدراسیون از تصمیم دایی در مورد علی کریمی خبر نداشتند و مدام مصاحبه می‌کردند و این به بهم‌ریختگی جو در روز بازی مقابل عربستان بسیار کمک کرد.شاید اگر هر سرمربی دیگری هم بود، کریمی را دعوت نمی‌کرد.دایی نشان داده هر وقت تحت فشار است نتایج خوبی می‌گیرد.او عادت دارد یک مجموعه راه‌همراه خود به‌موقبت برساند.اما فدراسیون حمایت لازم را از او نکرد. با این شرایط،مالی کهن هم نمی‌تواند به موفقیتی دست پیدا کند.

***سرمربی پیکان**



جلد شماره قبل همان طور که انتظار داشتیم حسابی سروصدا کرد. طرح تأیید گذاری که به همراه پرونده «پیدا کردن متهمان ترور شخصیت اسطوره فوتبال ایران»، به دنبال هدف اصلی خود یعنی حفظ شان فوتبال و علی دایی بود. البته متأسفانه زبان طنز گاهی دچار در یافت‌های ناصحیح شده یا مورد سوء برداشت قرار می‌گیرد که این جلد با فرم طنز هم از آن نسنجنی نبود و اعتراض‌هایی را در پی داشت. در حالی که با دقت در محتوای جلد و پرونده ویژه همشهری جوان، روش حرفه‌ای ما در نقد منصفانه روشن و مشخص است و نمی‌توان برداشت‌های افراطی را به آن منتسب کرد.

کادرفنی

تغییرات بی دلیل

یکی از اشکالات مهم دایی در امور فنی، تصمیم به تغییر تاکتیک تیم ملی بود.هرچند همه می‌گویند که ایران برای اجرای ۱–۲–۳–۴، تک‌فورواردر اکم داشت و از این کمبودضربه خور داما اصل قضیه این است که وقتی سیستم به ۲–۴–۴ تغییر کرد، ایران تقریبا عریز یکن برای اجرای این سیستم کم داشت. اشتباه دیگر دایی اطمینان به حرف کسانی بود که با او قرارداد بستند. علی دایی می‌توانست با ستاره‌های قبلی و سیستم قبلی تا جام جهانی برود و آن وقت ایران یک تیم پیر بود که برای بازگشت به ۸سال زمان نیاز داشت اما دایی تصور می‌کرد که پایش می‌ایستند و تعداد زیادی از ستاره‌ها را به کنار نمی‌کند هدایت کرد تا جوان‌هایی با تجربه ملی داشته باشند.اشجاری، غلامر ضارضایی و خلعتبری از جمله اشتباهات دایی هستند.

تماشاگران

فقط قرمز فقط آبی

فقط سکو نشینان استاد بوم آزادی معنی این حرف‌ها را می‌فهمند؛ همان‌هایی که قرمز و آبی‌شان برای تیم ملی و مربی‌اش اهمیت زیادی قائل نیستند. در بازی‌های پرسپولیس و استقلال اگر به استاد بوم بروید، می‌بینید که تعداد زیادی از طرفداران این ۲تیم در بدترین شرایط از تیمشان دفاع می‌کنند. شاید مشکل اصلی اینجا باشد که کسی تیم ملی را تیم خودش نمی‌داند اما در بازی‌های سال‌های قبل هم ثابت شده تماشاگران در تهران به باشگاهشان بیشتر از تیم ملی تعصب و صبر نشان می‌دهند. این طوری می‌شود که از بازی‌های تیم ملی انتظار یک فیلم اکشن و برهیجان‌را دارند که تفریح وسط یا آخر هفته‌شان را تأمین کند. حالا اگر سرمربی تیم ملی هر کسی باشد.وبه حرف‌شان گوش نکنند، ترجیح می‌دهند، خراب‌کننده تعطیلات را در همان نیمه اول به بادناز بگیرند. شاید لازم است آزادی دیگر میزبان بازی‌های ملی نباشد.

کارشناس: رسول کر بکندی*



الان مشکل فوتبال ایران جدی است. نه تنها آوردن مالی کهن اشتباه بود که حتی برکناری دایی و البته استخدام دایی برای سرمربیگری تیم ملی هم اشتباه بود. ما کلا برنامه خاصی نداریم. کارهایی که در چند ماه گذشته در فوتبال ایران اتفاق افتاده اصلا بر اساس منطق نیست. یکی از این کارهای غیر منطقی که از بزرگ‌ترین نقض‌های دایی هم به حساب می‌آمد توجه بیش از حد به لیگ برتر نبود؛ آن هم در دورانی که تیم ملی روی کاکل ستاره‌ها می‌چرخد. البته دایی اساس کار را روی تعویض نسل تیم ملی و جوانگرایی گذاشته بود. ضعف دیگری که به دایی وارد است، عدم تمایل او به مشورت با دیگران بود؛ مشورت با افرادی که در کادر فنی تیم ملی حضور نداشتند و از بیرون شاهد اتفاقات بودند. در این بین مدیران فدراسیون فوتبال و سازمان تربیت‌بدنی هم چندان حمایتی از تیم ملی نداشتند و اگر نه دست کم تیم ملی دیدار‌های دوستانه پهنتری می‌داشت.

*** سرمربی برق**



بازیکنان

دعوت نکنی مُردی

مدت زیادی است که تعریف تیم ملی تغییر کرده است.بازیکنان به تیم ملی به چشم ویتربین معرفی به تیم‌های بهتر نگاه می‌کنند. البته این ایرادی ندارد به شرط اینکه وقتی در زمین مسابقه قرار گرفتند، با تمام توان بازی کنند. اما واقعیت اینجاست که همه بازیکنان دلشان می‌خواست در تیم ملی باشند و میان این همه هافبک یا به توپ و سر حال حتی مبعلی هم با بازی کردن در لیگ سطح پایین امارات انتظار حضور در تیم ملی را داشت. نتیجه‌نگرفتن امیر قلعه‌نویی با تیمی که همه ستاره‌ها را داشت، بهترین دلیل برای دایی بود که فقط آماده‌ها را دعوت کند. سن بالای ستاره‌های تیم ملی بهترین دلیل دایی برای تغییر در ترکیب بود اما بازیکنان با مصاحبه‌هایشان تا توانستند برای تیم ملی در دسر درست کردند. در کنار اینها، قسمتی از هر باخت و مخصوصا باخت آخر به بازیکناتی مربوط می‌شد که از موقعیت‌های به دست آمده استفاده لازم را نکردند و با اشتباهات بعضا فردی، زمینه‌ای برای شکست‌ها بودند.

کارشناس: کامران صاحب‌پناه*

وقتی تیم ملی می‌بازد، نمی‌توان نقش بازیکنان را فراموش کرد؛ چه آنهایی که موقعیت‌های گل مسلم را خراب کرده‌اند، چه آنهایی که وظایفی که روی دوششان گذاشته شده بود را به‌خوبی انجام ندادند. به‌هرحال وقتی بازی تمام می‌شود، با اینکه همه سرمربی تیم را مسوول می‌دانند اما بازیکنان هم در اتفاقاتی که در بازی افتاده مقصر هستند. در دیدار با عربستان موقعیت‌هایی داشتیم که ناباورانه از دست رفت و اگر می‌توانستیم از آنها استفاده کنیم دیگر الان کارمان پسه اینجا نمی‌کشید. به‌هرحال پس از برکناری دایی این جوهر جلوه داده شد که دایی مقصر بوده و همه چیز سر یک نفر شکسته شد. افرادی که تیم ملی را مدیریت می‌کردند اصلا از حمایتی نمی‌کردند. هرچند مدیران فدراسیون فوتبال بازی‌های دوستانه پرشماری را برای تیم ملی برنامه‌ریزی کردند اما با وجود این، کیفیت این دیدار‌های دوستانه اصلا چنگی به دل نمی‌زد.

***مدیرعامل پیکان**

فدراسیون

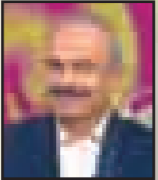
تعامل خنده

تعامل فدراسیون فوتبال و سرمربی تیم ملی یکی از خنده‌دارترین تعامل‌های بین رئیس و مرنوس است. مهم‌ترین اختلاف نظر فدراسیون و علی دایی وقتی رونمایی شد که سرمربی تیم ملی چند هفته پس از انتخاب شدن درباره شرایط قراردادش صحبت کرد. آن روز جلسه‌ای در سازمان تربیت‌بدنی برگزار می‌شد و علی دایی قبل از جلسه، در مصاحبه با ایسنا با تمام توان به فدراسیون تاخت و البته مسوولان فدراسیون سکوت کردند.بعداز جلسه هرچند دایی کوتاه آمد اما واقعیت این بود که در هیچ کجای دنیا رسم نیست سرمربی این طور همه‌راز پرسؤال ببرد و فدراسیون نظاره‌گر باشد. طبق حرف‌های کفاشیان در برنامه «نود» فدراسیون در انتخاب دایی دخالت کمی داشت و طبق شایعات، در برکناری‌اش هیچ نقشی نداشت. شما حرف گوش کردن‌های بی‌دلیل درباره تعطیلی لیگ و بازی‌های تدارکاتی بی‌کیفیت را هم به ماجرا اضافه کنید.

کارشناس: حمید استیلی*

اگر مقداری به اتفاقات جاری در فوتبال ایران دقت کنید، می‌فهمید که در ناکامی تیم ملی مقصران زیادی داشتیم که اصلا نامی از آنها به میان نمی‌آید. الان پس از ناکامی تیم ملی مدیرت، پشت سر دایی پنهان شده. این اتفاق برای دومین بار برای دایی می‌افتد. پس از آغاز جام جهانی ۲۰۰۶ هم دایی مشکل مشابهی داشت که آن را حل کرد. چیزی که در این بین اهمیت دارد، حمایت مدیران از مربی تیم است. سال گذشته که افشین قطعی پرسپولیس را قهرمان لیگ برتر کرد، کاشانی در تمام فصل پشت سر قطعی ایستاده بود و او هم به خاطر آن حمایت‌ها توانست تیم را قهرمان کند اما در ماجرای علی دایی این حمایت وجود نداشت. به‌هرحال اگر شما به نمایش قطعی در دیدارهای ابتدایی این فصل هم دقت کنید می‌فهمید که تعویض رویکرد مدیریتی پرسپولیس چقدر به ضرر قطعی و پرسپولیس تمام شد. در ماجرای دایی هم نه تنها رویکرد مدیران در دوران سرمربیگری او چندان خوب نبود که حتی پس از برکناری دایی، با مصاحبه‌های غیر منصفانه همه چیز را به گردن او انداختند.

***مربی سابق پرسپولیس**



عکس: میلاد بیانی